

بررسی احضار

بررسی احضار

احضار از لحاظ لغوی به معنای حاضر ساختن، حاضر کردن و فراخواندن می‌باشد. [۱] اصطلاحاً احضار به فراخواندن کسی (اعم از مدعی علیه یا هر کس از قبیل گواهان و غیره) برای حضور در نزد قاضی جهت پاسخگویی استنطاقی (بازجویی) یا قضایی، گفته می‌شود. [۲]



چنانکه ملاحظه می‌شود احضار در اصطلاح حقوقی از معنای لغوی آن فاصله گرفته است. چنانکه بنابر معنای لغوی احضار به معنای حاضر ساختن فرد است، حال آنکه در اصطلاح حقوقی مُراد از احضار، طلب حضور می‌باشد و عمل حاضر ساختن در مرحله‌ای دیگر است.

در فقه اسلامی از دیرباز این اصطلاح به دو معنای طلب حضور (درخواست حضور) و نیز حاضر کردن به کار رفته است که درخواست حضور بیشتر از طریق مراجع قانونی انجام می‌شود. [۳]

احضار در معنای عام، برای حاضر کردن امری اعم از اشخاص و اموال به کار می‌رود و در امور مدنی و جزایی بیشتر به فراخواندن اشخاصی مانند مدعی علیه (خصم یا خوانده) یا نماینده او، و شاهد از سوی دادگاه یا مرجع صلاحیت‌دار دیگر اطلاق می‌شود. اگر احضار مدعی علیه ممکن باشد، احضار او بوسیله دادگاه الزامی است، و هزینه آن، بر عهده کسی است که خواهان احضار است. [۴]

دستور به حاضر شدن و فراخواندن شخص یا اشخاص به عنوان مظنون یا متهم و یا شاهد و مطلع به وسیله بازپرس، برای ادای توضیحات یا بازجویی و هر امر لازم دیگر در نزد ایشان و در زمان معین، احضار اشخاص گویند و به وسیله ابلاغ ورقه احضارنامه صورت می‌گیرد. در برخی موارد احضار متهم، نتیجه عدم توجه به احضار دادگاه و عدم حضور، صدور دستور جلب است. [۵]

اگر مدعی علیه بدون دلیل حاضر نمی‌شود، قاضی می‌تواند او را جلب و نیز تعزیر کند و اگر به دلایلی همچون بیماری و حبس و... حضور خصم (مدعی علیه) ممکن نباشد، اگر در آن محل، حاکم یا قاضی باشد به او نیابت داده می‌شود و اگر نباشد، قاضی فرد صالحی را به جانشینی خود می‌فرستد تا در همان محل، داوری کند. [۶]

فرق احضار و اخطار آن است که اخطار بیشتر در امور مدنی صادر و ابلاغ می‌شود [۷] و اخطار در موضوع به معنای یادآوری امری به فرد یا افرادی در پرونده‌های حقوقی است؛ [۸] برعکس احضار جنبه امری، اطلاعی و اعلامی دارد و ضمانت اجرایش صدور «دستور جلب» می‌باشد. [۹]

احضار شاهد

طبق ماده ۲۴۲ ق.آ.د.م؛ دادگاه می‌تواند به درخواست یکی از اصحاب دعوا، همچنین در صورتی که مقتضی بداند گواهان را احضار نماید. در ابلاغ احضاریه، مقرراتی که برای ابلاغ اوراق قضایی تعیین شده، رعایت می‌گردد و باید حداقل یک هفته قبل از تشکیل به گواه یا گواهان ابلاغ شود. ماده ۲۴۳ همین قانون می‌گوید: گواهی که برابر قانون احضار شده، چنانچه در موعد مقرر حضور نیابد، دوباره احضار خواهد شد. [۱۰]

اگر رسیدگی بر اساس شکایت شاکی باشد و شاهدهی را معرفی نماید که دادگاه علم به شاهد گرفتن در هنگام وقوع جرم داشته باشد و یا احقاق حق متوقف بر شهادت شاهدهی باشد که دادگاه علم به شاهد بودن وی دارد و یا تحقیق به جهت ارتباط جرم با امنیت و نظم عمومی باشد، دادگاه دستور به حضور (احضار) شاهد می‌دهد.

هر یک از شهود تحقیق و مطلعین باید در موعد مقرر حاضر شوند، در صورت عدم حضور برای بار دوم احضار می‌گردند، چنانچه بدون عذر موجه حضور نیابند، به دستور دادگاه جلب می‌شوند. (ماده ۱۵۹ ق.آ.د.ک) [۱۱]

احضار متهم

هنگامی که قاضی دلایل کافی را طبق ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک در اختیار داشته باشد، می‌تواند متهم را احضار کند. (مستنبط از ماده ۱۱۲ ق.آ.د.ک) اشخاصی که حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستاده باشند به دستور قاضی جلب می‌شوند (ماده ۱۲۷ ق.آ.د.ک). قاضی می‌تواند در موارد زیر بدون اینکه احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر نماید:

الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها، قصاص، اعدام و قطع عضو باشد.

ب) متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسب آنها معین نبوده و اقدامات قاضی برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد. (ماده ۱۱۸ ق.آ.د.ک) [۱۲]

احضار برای سازش

طبق مواد ۱۸۶ و ۱۸۷ ق.آ.د.م؛ هر کس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به طور کتبی در خواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند. ترتیب دعوت برای سازش همان است که برای احضار خوانده مقرر است ولی در دعوت‌نامه باید قید گردد که طرف برای سازش به دادگاه دعوت می‌شود.

هر گاه بعد از ابلاغ دعوت‌نامه طرف حاضر نشد دادگاه مراتب را در صورت‌مجلس قید کرده و به درخواست کننده سازش برای اقدام قانونی اعلام می‌نماید. (مستنبط از ماده ۱۹۰ ق.آ.د.م). [۱۳]

احضار کارشناس

طبق ماده ۲۵۷ ق.آ.د.م؛ دادگاه می‌تواند رأساً به درخواست هر یک از اصحاب دعوا قرار ارجاع به کارشناس را صادر نماید در قرار دادگاه، موضوعی که نظر کارشناس نسبت به آن لازم است و نیز مدتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند، تعیین می‌گردد.

در صورت لزوم تکمیل تحقیقات با اخذ توضیح از کارشناس، دادگاه موارد تکمیل و توضیح را در صورت‌مجلس منعکس و به کارشناس اعلام و کارشناس را برای ادای توضیح دعوت می‌نماید. در صورت عدم حضور، کارشناس جلب خواهد شد. (ماده ۲۶۳ ق.آ.د.م)

احضار برای اتیان سوگند

در مواردی که صدور حکم دادگاه منوط به سوگند شرعی می‌باشد، دادگاه به درخواست متقاضی، قرار اتیان سوگند صادر کرده و در آن، موضوع سوگند و شخصی را که باید سوگند یاد کند تعیین می‌نماید. در صورتی که طرفین حاضر نباشند، دادگاه محل ادای سوگند تعیین وقت نموده و طرفین را احضار می‌نماید، در احضارنامه علت حضور قید می‌گردد. (مواد ۲۷۰ و ۲۸۲ ق.آ.د.م).

بعد از صدور قرار اتیان سوگند، در صورتی که شخصی که باید سوگند یاد کند حاضر باشد، دادگاه در همان جلسه سوگند می‌دهد و در صورت عدم حضور تعیین وقت نموده، طرفین را دعوت می‌کند. اگر کسی که باید سوگند یاد کند بدون عذر موجه حاضر نشود و یا بعد از حضور از سوگند امتناع نماید نکول محسوب و دادگاه اتیان سوگند را به طرف دعوا رد می‌کند و با اتیان سوگند، حکم صادر خواهد شد وگرنه دعوا ساقط می‌گردد. در برگ احضاریه جهت حضور و نتیجه عدم حضور باید قید گردد. (ماده ۲۸۶ ق.آ.د.م) [۱۴]

اتیان سوگند باید در جلسه دادگاه رسیدگی کننده به دعوا انجام شود. در صورتی که اداکننده سوگند به واسطه عذر موجه نتواند در دادگاه حضور یابد، دادگاه حسب اقتضای مورد، وقت دیگری برای سوگند معین می‌نماید یا دادرس دادگاه نزد او حاضر می‌شود یا به قاضی دیگر نیابت می‌دهد تا او را سوگند داده و صورت‌مجلس را برای دادگاه ارسال کند و بر اساس آن رأی صادر می‌نماید. (ماده ۲۸۸ ق.آ.د.م) [۱۵]

منابع:

- [۱]- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، تهران، نشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۰۸.
- [۲]- انصاری، مسعود، طاهری، محمد علی؛ دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، نشر محراب فکر، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۱۱.
- [۳]- همان.
- [۴]- ابازری فومشی، منصور؛ مبسوط در ترمینولوژی اصطلاحات کیفری، تهران- انتشارات اندیشه عصر، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۱.
- [۵]- همان.
- [۶]- همان.
- [۷]- همان.
- [۸]- صالحی راد، محمد؛ آیین نگارش آراء قضایی، تهران، نگاه بینه، ۱۳۸۵، ج ۲؛ ص ۷۳.
- [۹]- ابازری فومشی، منصور؛ مبسوط در ترمینولوژی اصطلاحات کیفری، همان.
- [۱۰]- حسینی نیک، سید عباس؛ مجموعه قوانین کاربردی مجد، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۸۳.
- [۱۱]- ابازری فومشی، منصور؛ مبسوط در ترمینولوژی اصطلاحات کیفری، همان.
- [۱۲]- حسینی نیک، سید عباس؛ مجموعه قوانین کاربردی مجد، همان. ص ۶۷۵ و ۶۷۶.
- [۱۳]- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ دانشنامه حقوقی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱، ص ۲۸۳ و ۲۸۲ و حسینی نیک، سید عباس؛ مجموعه قوانین کاربردی مجد، همان. ص ۳۷۴.
- [۱۴]- همان. ص ۳۸۸ تا ۳۹۰.
- [۱۵]- همان. ص ۳۹۰.
- منبع: حقوق گستر